



نقش آموزش مشارکتی بر کیفیت روابط متقابل معلم و دانش آموز در محیط آموزشی

مریم قنبری^۱، زهرا رحیمی^۲، الهام رحیمی^۳، سمیه شاهپوندی^۴

۱- کارشناس مهندسی فناوری اطلاعات، گرایش (فناوری و اطلاعات) و آموزگار آموزش و پرورش شهرستان پلدختر

۲- کارشناسی ارشد حسابداری و دبیر آموزش و پرورش شهرستان پلدختر

۳- کارشناسی روانشناسی عمومی و آموزگار آموزش و پرورش شهرستان خرم آباد

۴- کارشناسی مدیریت دولتی و آموزگار آموزش و پرورش شهرستان خرم آباد

چکیده

رابطه بین معلم و دانش آموز یکی از مهم ترین عوامل در فرایند یادگیری و آموزش است. این رابطه بر انگیزه، مشارکت، عملکرد تحصیلی و سلامت روانی-اجتماعی دانش آموزان تأثیر بسزایی دارد. آموزش مشارکتی رویکردی نوین در تدریس است که بر تعامل و همکاری بین دانش آموزان تأکید دارد. در این روش، دانش آموزان به جای انزوا و رقابت، با یکدیگر در یادگیری مطالب درسی مشارکت می کنند. تحقیقات متعددی نشان داده اند که آموزش مشارکتی فواید متعددی برای دانش آموزان دارد. دانش آموزانی که در فعالیت های آموزش مشارکتی شرکت می کنند، بیشتر درگیر درس می شوند و انگیزه بیشتری برای یادگیری دارند. مطالعات نشان داده اند که آموزش مشارکتی می تواند به طور قابل توجهی به پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در طیف وسیعی از دروس کمک کند. آموزش مشارکتی به دانش آموزان کمک می کند تا مهارت های اجتماعی مهمی مانند کار گروهی، حل مسئله و ارتباطات را توسعه دهند. دانش آموزانی که در فعالیت های آموزش مشارکتی شرکت می کنند، اعتماد به نفس بیشتری در توانایی های خود پیدا می کنند. آموزش مشارکتی می تواند به کاهش اضطراب و استرس دانش آموزان و ارتقای سلامت روانی-اجتماعی آنها کمک کند. با توجه به فواید متعدد آموزش مشارکتی، بررسی اثرات این رویکرد بر کیفیت روابط متقابل معلم و دانش آموز در محیط آموزشی از اهمیت بالایی برخوردار است. کیفیت روابط متقابل معلم و دانش آموز یکی از عوامل کلیدی در ایجاد محیط آموزشی مثبت و موثر است. این رابطه بر انگیزه، مشارکت، عملکرد تحصیلی و سلامت روانی-اجتماعی دانش آموزان تأثیر بسزایی دارد. آموزش مشارکتی رویکردی نوین در تدریس است که بر تعامل و همکاری بین دانش آموزان تأکید دارد. با توجه به فواید متعدد آموزش مشارکتی، این سوال مطرح می شود که این رویکرد چه تأثیری بر کیفیت روابط متقابل معلم و دانش آموز در محیط آموزشی دارد؟ در این مقاله، به بررسی اثرات آموزش مشارکتی بر کیفیت روابط متقابل معلم و دانش آموز در محیط آموزشی پرداخته می شود.

واژه های کلیدی: آموزش مشارکتی، کیفیت روابط متقابل، معلم، دانش آموز، محیط آموزشی.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

مقاله‌ای که مورد نظر شماست، به بررسی اثرات آموزش مشارکتی بر کیفیت روابط متقابل معلم و دانش‌آموز در محیط آموزشی می‌پردازد. آموزش مشارکتی یک رویکرد آموزشی است که به وسیله فعالیت‌ها و فرآیندهایی مشارکتی، مانند گفتگوها، گروه‌های کاری، و تعاملات مستقیم بین معلم و دانش‌آموزان، ارتقاء میابد. این روش‌ها می‌توانند بهبودی در فرآیند یادگیری، افزایش تعهد و مشارکت دانش‌آموزان، و تقویت روابط متقابل بین معلم و دانش‌آموزان را به دنبال داشته باشند. اهمیت این موضوع از دو جنبه مهم مشخص می‌شود. اولاً، روابط مثبت و سالم بین معلم و دانش‌آموزان می‌تواند عمیقاً در فرآیند یادگیری تأثیرگذار باشد. همچنین، آموزش مشارکتی نه تنها به دانش‌آموزان امکان می‌دهد تا از تجربیات همدیگر بهره‌برندی کنند، بلکه به معلمان نیز امکان می‌دهد تا از نقطه نظرهای دانش‌آموزان بهره‌برند و فرصتی برای بهبود مستمر فرآیند آموزش و پرورش فراهم کنند.

در عصر اطلاعات و تحولات فراوان، تأمین یک زیرساخت آموزشی که قابلیت ارتقاء روابط متقابل دانش‌آموزان را داشته باشد، ضرورتی ملحظ و اساسی به حساب می‌آید. روابط متقابل به عنوان یکی از عوامل اساسی توسعه فردی و اجتماعی، به طور مستقیم تأثیر گذار بر توانمندی‌ها و افکار افراد دارد. به همین دلیل، مسأله مورد بررسی این تحقیق، تأثیر آموزش مشارکتی بر ارتقاء روابط متقابل دانش‌آموزان در محیط آموزشی است. در حالی که امکانات آموزشی در محیط آموزشی به شکل چشمگیری افزایش یافته، ضرورت ارتقاء روابط متقابل دانش‌آموزان به عنوان یک مؤلفه کلیدی در فرآیند یادگیری به یادگیرندگان نشان داده می‌شود. روابط متقابل نه تنها بر توانایی‌های تحصیلی دانش‌آموزان بلکه بر مسیر پیشرفت شخصیتی و اجتماعی آنان نیز تأثیر می‌گذارد. از این رو، استفاده از روش‌های آموزشی مشارکتی، به عنوان یک ابزار قدرتمند، می‌تواند به بهبود نگرش‌ها و افزایش تعامل دانش‌آموزان با محتوای آموزشی کمک کند (امینی، ۱۴۰۲). آموزش مشارکتی نه تنها یک رویکرد آموزشی بلکه یک فلسفه تربیتی است که به ایجاد انگیزه، تعامل و مسئولیت در دانش‌آموزان می‌پردازد. در دنیای امروز، که ارتباطات بین افراد از طریق فناوری به سرعت گسترش یافته است، دانش‌آموزان نیازمند مهارت‌هایی هستند که از جمله آنها مشارکت فعال در فرآیند یادگیری و حل مسائل است. مقاله حاضر به بررسی نحوه تأثیرگذاری آموزش مشارکتی بر این مهارت‌ها و در نتیجه، بر ارتقاء روابط متقابل دانش‌آموزان متمرکز است. این ارتقاء نه تنها به نفع فرد بلکه به عنوان یک سرمایه اجتماعی نیز خواهد بود که به توسعه جامعه و کشور به شکل کلان کمک خواهد کرد (فرخ نهال و همکاران، ۱۴۰۱).

آموزش یکی از پایه‌های اصلی توسعه و پیشرفت جوامع است و نقش آموزش در ترقی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بسیار حیاتی است. از این رو، همواره تلاش‌ها و تحقیقات مختلفی در زمینه بهبود فرآیند آموزش انجام شده و تغییراتی در رویکردها و متدهای آموزشی اجرا شده است. یکی از موضوعاتی که در سال‌های اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران و ارائه‌دهندگان خدمات آموزشی را به خود جلب کرده است، مفهوم "آموزش مشارکتی" است. آموزش مشارکتی به معنای درگیری فعال دانش‌آموزان در فرآیند آموزش و یادگیری است. این مفهوم از اهمیت بسیاری برخوردار است زیرا به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا به عنوان شرکت‌کنندگان فعال در کلاس‌ها و محیط‌های آموزشی عمل کنند. این نوع آموزش نه تنها به دانش‌آموزان افرادی مستقل و خودآموز را پرورش می‌دهد، بلکه نیز نقش آنها در بهبود کیفیت فرآیند آموزش را تقویت می‌کند. با توجه به اهمیت آموزش مشارکتی و تأثیرات مثبت آن بر نگرش و عملکرد دانش‌آموزان، این مقاله به بررسی تغییرات در نگرش به نقش دانش‌آموزان در فرآیند آموزش می‌پردازد. مسأله اصلی مقاله در اینجا مطرح می‌شود: "چگونه آموزش مشارکتی می‌تواند نگرش دانش‌آموزان به نقش خود در فرآیند آموزش را تغییر دهد و اثرات مثبتی بر کیفیت یادگیری آنها داشته باشد؟"

آموزش مشارکتی یک رویکرد آموزشی برای آموزش و یادگیری است که شامل گروه‌هایی از دانش‌آموزان است که برای حل یک مشکل، تکمیل یک کار یا ایجاد یک محصول با هم کار می‌کنند. آموزش مشارکتی بر این ایده استوار است که یادگیری یک عمل طبیعی اجتماعی است که در آن مدرسه‌کنندگان در میان خود صحبت می‌کنند و یادگیری از طریق گفتگو اتفاق



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

می‌افند (Gerlach, 1994) روش آموزش مشارکتی از جمله روش های فعال یادگیری و الگویی است فراگیر محور و مبتنی بر فعالیت یادگیرنده که مدرس نقش راهنما را دارد. استفاده از روش های فعال به جای روش های غیرفعال و سنتی موجب یادگیری بهتر در دانش آموزان می شود (مرادی خلج و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین تحقیقات نشان داده که آموزش مشارکتی باعث تقویت حس همکاری، افزایش شوق به یادگیری و احساس مسئولیت فردی و گروهی، پرورش روحیه انتقادپذیری و انتقادگری، تقویت قدرت گوش دادن، بهبود روابط عاطفی، افزایش اعتماد، احترام متقابل، تقویت حس وظیفه شناسی، رشد مهارت های کلامی، کاهش اضطراب و کاهش وابستگی دانش آموزان به آموزگار می گردد. آموزش مشارکتی یک روش آموزش است که به دانش آموزان اجازه می دهد تا در گروه های ساختار یافته کار کنند. در آموزش مشارکتی تمرکز و مسئولیت از آموزگار به دانش آموزان منتقل می شود (فرخ نهال و همکاران، ۱۴۰۱).

رویکردهای زیادی برای آموزش مشارکتی وجود دارد. مجموعه‌ای از مفروضات در مورد فرآیند یادگیری زیربنای همه آنها است: یادگیری فرآیندی فعال است که در آن دانش‌آموزان اطلاعات را جذب می‌کنند و این دانش جدید را به چارچوبی از دانش قبلی مرتبط می‌کنند. یادگیری به چالشی نیاز دارد که در را به روی یادگیرنده باز می‌کند تا فعالانه با همسالان خود درگیر شود و اطلاعات را پردازش و ترکیب کند نه اینکه صرفاً آن را به‌خاطر بسپارد و دوباره به دست آورد. زمانی که زبان‌آموزان در معرض دیدگاه‌های مختلف افراد با پیشینه‌های مختلف قرار می‌گیرند، سود می‌برند. یادگیری در یک محیط اجتماعی که مکالمه بین فراگیران انجام می‌شود شکوفا می‌شود (Sirakaya et al., 2018).

در طول این ژیمناستیک فکری، یادگیرنده چارچوب و معنایی برای گفتمان ایجاد می‌کند. در محیط آموزش مشارکتی، فراگیران از نظر اجتماعی و عاطفی با گوش دادن به دیدگاه‌های مختلف به چالش کشیده می‌شوند و ملزم به بیان و دفاع از ایده‌های خود هستند. با انجام این کار، فراگیران شروع به ایجاد چارچوب‌های مفهومی منحصر به فرد خود می‌کنند و تنها به چارچوب یک متخصص یا متن تکیه نمی‌کنند (Teng, 2016). بنابراین، در یک محیط آموزش مشارکتی، فراگیران این فرصت را دارند که با همسالان خود گفتگو کنند، ایده‌های خود را ارائه و دفاع کنند، باورهای متنوع را مبادله کنند، سایر چارچوب‌های مفهومی را زیر سؤال ببرند و فعالانه درگیر شوند. فرآیندهای آموزش مشارکتی را می‌توان به روش‌های مختلف در یک کلاس معمولی ۵۰ دقیقه‌ای گنجاند. برخی نیاز به آماده سازی کامل، مانند یک پروژه طولانی مدت دارند، در حالی که برخی دیگر مانند طرح یک سؤال در طول سخنرانی و درخواست از دانش‌آموزان برای بحث درباره ایده‌های خود با همسایگان خود به آمادگی کمتری نیاز دارند (Torkelson, 2012).

در کلاس‌های درس مشترک، فرآیند سخنرانی/گوش دادن/ یادداشت برداری ممکن است به طور کامل ناپدید نشود، اما در کنار فرآیندهای دیگری که مبتنی بر بحث دانش‌آموزان و کار فعال با مواد درسی است، وجود دارد. صرف‌نظر از رویکرد خاص اتخاذ شده یا اینکه چه مقدار از دوره فراگیر مبتنی بر سخنرانی جایگزین شده است، هدف یکسان است: تغییر یادگیری از یک مدل آموزگارمحور به یک مدل دانش‌آموز محور. آموزش مشارکتی یک روش آموزشی است که در آن دانش‌آموزان دانش و تخصص خود را به اشتراک می‌گذارند، آموزش و یادگیری را از یکدیگر به طور هم‌زمان به اشتراک می‌گذارند. یادگیری گروهی با سرمایه‌گذاری بر مهارت‌ها، ایده‌ها و دانش سازمانی هر یک از دانش‌آموزان، تجربه آموزشی را افزایش می‌دهد (Tsai, 2005).

آموزش مشارکتی اغلب با آموزش مشارکتی اشتباه گرفته می‌شود، جایی که دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک برای حل یک مشکل یا تسلط بر یک مفهوم با هم کار می‌کنند. آموزش مشارکتی یک ابزار یادگیری مفید است؛ اما به‌کارگیری آن در مقیاس سازمانی دشوار است. این بیشتر در محیط‌های دبیرستان و آموزش عالی استفاده می‌شود. مانند آموزش مشارکتی، آموزش مشارکتی تفکر سطح بالاتر، حل مسئله و کار گروهی را تشویق می‌کند، اما مقیاس‌پذیری در بین تیم‌ها بسیار آسان‌تر است. آموزش مشارکتی بخشی از یک گرایش بزرگ‌تر به سمت وابستگی متقابل است. سازمان‌ها از سبک‌های مدیریتی سلسله



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مراتبی‌تر از بالا به پایین فاصله می‌گیرند و به سمت مدل‌های کم اقتدار و مسئولیت‌پذیری بالا حرکت می‌کنند (Torkelson, 2012).

بنابراین، مقاله حاضر سعی دارد تا اثرات مثبت آموزش مشارکتی بر کیفیت روابط متقابل معلم و دانش‌آموز را به وسیله بررسی دقیق و نقادانه‌ای ارائه دهد. با بیان مسائلی چون ارتقاء ارتباطات، افزایش تعاملات مثبت، و تأثیر آموزش مشارکتی بر انگیزه و عملکرد دانش‌آموزان، این مقاله به دنبال بهبودی عمیق در فرآیند آموزش و پرورش است.

مزایای آموزش مشارکتی

برخلاف آموزش سنتی مدرسه‌ای، آموزش مشارکتی دموکراتیک، مرتبط، سریع، تکراری و تأثیر محور است. در عمل به این معنی است: آموزش مشارکتی دموکراتیک شده است. بیشتر آموزش‌های سنتی مدرسه‌ها از بالا به پایین است، به این معنی که مدیریت نیازهای آموزشی را تعیین می‌کند و سپس مواد آموزشی را برای رفع آن نیازها ایجاد یا خریداری می‌کند. در مقابل، در روش آموزش مشارکتی، هرکسی در تیم می‌تواند درخواست یا نیاز یادگیری ایجاد کند (Tsai, 2005).

این به همه افراد سازمان اجازه می‌دهد تا در فرآیند یادگیری مشارکت داشته باشند و باعث می‌شود احساس مشارکت و تمرکز بیشتری داشته باشند. کارمندان نیازهای آموزشی را پیشنهاد می‌کنند و سایر کارمندان از مجموعه مهارت‌های منحصر به فرد خود برای ایجاد محتوا برای برآوردن این نیازها استفاده می‌کنند. سپس، به دیگران در تکمیل دوره‌ها کمک می‌کند، کنترل کیفیت را اجرا می‌کند و مطمئن می‌شود که یادگیرندگان آنچه را که برای موفقیت نیاز دارند، دارند. از آنجایی که دانش‌آموزان نیازهای یادگیری خود را اعلام می‌کنند، می‌توانند در مورد چیزهایی که به آنها اهمیت می‌دهند یاد بگیرند (Tsai, 2005).

یکپارچه بودن آموزش مشارکتی

دوره‌های آموزش مشارکتی توسط اعضای تیم شما ایجاد می‌شوند، به این معنی که محتوا نسبت به دوره‌های شخص ثالث برای مدرسه شما ظریف‌تر و خاص‌تر است. در یک مدل سنتی، تیم محتوای آموزشی را ایجاد می‌کند یا دوره‌هایی را از شخص ثالث خریداری می‌کند. فرآیند راه اندازی دوره‌ها معمولاً شامل گروهی از طراحان آموزشی با پیشینه فنی می‌شود. تولید کلاس‌ها ممکن است ماه‌ها طول بکشد و بسیار گران باشد. برعکس، با آموزش مشارکتی و دانش‌آموزان با هم نیازهای یادگیری را ایجاد و برآورده می‌کنند. در نتیجه کارمندان بیشتر در فرآیند یادگیری سرمایه‌گذاری می‌کنند (Sirakaya et al., 2018).

سریع بودن آموزش مشارکتی

یکی از بزرگ‌ترین عوامل بحران فعلی در یادگیری، پاسخ‌گویی به نیازهای آموزشی است. زمانی که تیم‌های تحقیق و توسعه متوجه شده‌اند که در منابعشان شکافی وجود دارد و با محتوای آموزشی مناسب پاسخ می‌دهند، شانس ایجاد بزرگ‌ترین تأثیر مثبت مدت‌ها گذشته است. آموزش مشارکتی افراد را به یکدیگر متصل می‌کند و به آن‌ها اجازه می‌دهد تا نیازهای یادگیری خود را اعلام کنند، مهارت‌ها و تخصص خود را به اشتراک بگذارند و محتوای یادگیری را به سرعت برای پاسخ به سؤالات فوری ایجاد کنند. به این ترتیب، سازمان‌ها می‌توانند به فرصت‌های رشد سریع و مؤثرتر پاسخ دهند (Teng, 2017).

تکرارپذیر بودن آموزش مشارکتی

از آنجایی که ایجاد دوره به طور سنتی کند و پرهزینه بوده است، به‌روزرسانی‌ها و تازه‌سازی‌ها به ندرت انجام می‌شود. آموزش مشارکتی ایجاد و ویرایش مطالب دوره را در اولویت قرار می‌دهد، به این معنی که به‌روزرسانی آن‌ها بر اساس اطلاعات جدید یا بازخورد کارمندان بسیار آسان‌تر است. در حال حاضر، تکرار مهم‌تر از همیشه است. دوره‌ها اغلب به دلیل تغییرات تکنولوژیکی یا سازمانی قدیمی می‌شوند. طراحی دوره ایستا مانع از انعطاف‌پذیری و کاهش سرعت یادگیری دانش‌آموزان می‌شود. با آموزش مشارکتی، می‌توانید اطلاعات را منتشر کنید و بعداً بر اساس بازخورد آن را تکرار کنید. به این ترتیب، اطلاعات حیاتی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دقیقاً در زمانی که مورد نیاز است به دست کارمندان می‌رسد و آنها را قادر می‌سازد تا تصمیمات بهتری بگیرند (Sirakaya et al., 2018)

تأثیر محور بودن آموزش مشارکتی

برنامه‌های سنتی مبتنی بر تحویل هستند و صرفاً بر شمارش مواردی مانند اتمام دوره متمرکز هستند. در مقابل، آموزش مشارکتی مبتنی بر تأثیر است و به تأثیر آموزش شما در طول زمان می‌پردازد. در اکثر بخش‌های تحقیق و توسعه، موفقیت با تعداد دوره‌های ارسال و تکمیل شده توسط کارمندان اندازه‌گیری می‌شود. این رویکرد به نحوه تعامل دانش‌آموزان با دوره‌ها یا آنچه که از آن تجربه به دست می‌آورند، دید بسیار کمی ارائه می‌دهد. همچنین نشان دادن بازگشت سرمایه آموزشی را دشوارتر می‌کند. در مقابل، آموزش مشارکتی تأثیر محور است زیرا موفقیت را صرفاً به عنوان ارائه دوره تعریف نمی‌کند. بلکه از آنجایی که تیم‌ها در فرآیند یادگیری فعال هستند، بازخورد آنها نشان می‌دهد که آیا یک دوره موفق است یا خیر (Torkelson, 2012).

نحوه عملکرد آموزش مشارکتی

همه اینها عالی به نظر می‌رسد، اما آموزش مشارکتی در عمل چگونه به نظر می‌رسد؟ چگونه می‌تواند به موفقیت مدرسه شما کمک کند؟ جدا از مزایای یادگیری سطح بالاتر، آموزش مشارکتی کار می‌کند زیرا به برنامه‌های یادگیری امکان می‌دهد زیرک، هم‌تأثیر و توزیع شده باشند. آموزش مشارکتی به مدرسه‌ها کمک می‌کند تا زیرک بمانند با یک پلتفرم یادگیری که از آموزش مشارکتی استفاده می‌کند، می‌توانید با ایجاد دوره‌هایی در عرض چند دقیقه، نه ماه‌ها، دانش‌آموزان را در جریان تغییرات قرار دهید. این به مدرسه شما امکان می‌دهد به سرعت نسبت به فناوری تسریع شده، اختلال در صنعت و رویدادهای غیر قابل پیش‌بینی جهانی واکنش نشان دهد (Sirakaya et al., 2018).

همه‌چیزی داشته باشد رویدادهای اخیر به ما نشان داده‌اند که اولویت‌ها، اهداف و زیرساخت‌های یک سازمان می‌توانند یک شبه تغییر کنند. به عنوان مثال، در ماه مارس و آوریل ۲۰۲۰، همه‌گیری COVID-19 کارگران را مجبور کرد که به طور ناگهانی به کار از راه دور منتقل شوند. کارمندان مجبور بودند جریان‌های کاری جدید را بیاموزند و فناوری جدید را با برنامه ریزی یا زمان آماده‌سازی صفر بپذیرند. در دنیای ایده‌آل، می‌توان این انتقال را مدیریت کرد، اما اکثر پلتفرم‌های یادگیری اجازه تولید سریع دوره را نمی‌دهند. تولید حتی یک دوره آموزشی می‌تواند ماه‌ها کار گروهی طول بکشد، و تیم‌های تحقیق و توسعه اغلب برای ساخت دوره‌ها به طراحان آموزشی متکی هستند. کل فرآیند مدیریت سنگین و منابع فشرده است (Teng, 2017).

ایجاد دوره آسان یادگیری

آموزش مشارکتی ایجاد و به اشتراک گذاری مواد آموزشی را آسان‌تر و مقرون به‌صرفه‌تر می‌کند. هر کسی در مدرسه می‌تواند به سرعت یاد بگیرد که چگونه یک دوره آموزشی بدون نیاز به کمک خارجی ایجاد کند. رضایت مشتری می‌تواند یک آموزش برای کمک به نمایندگان برای مقابله با یک مشکل تکرار شونده خاص ایجاد کند. این در حسابداری می‌تواند روش جدید ارائه گزارش هزینه را نشان دهد. همه این دوره‌ها را می‌توان به راحتی توزیع کرد، و مربیان (نویسندگان دوره) می‌توانند با تکرار و بهبود در طول زمان، بازخورد سریعی از ذی‌نفعان مربوطه دریافت کنند (Tsai, 2005).

این قابلیت دسترسی در را برای طیف جدیدی از امکانات آموزشی باز می‌کند. همچنان می‌توانید دوره‌های آموزشی جامع ایجاد کنید و مسیرهای یادگیری را تعیین کنید. اما شما همچنین می‌توانید دوره‌های خرد را توسعه دهید که فقط به یک بخش یا حتی یک موقعیت انفرادی مربوط می‌شود. می‌توانید دوره‌هایی ایجاد کنید که تغییرات موقت را بررسی کنند، حتی اگر فقط



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

برای یک ماه یا حتی یک هفته قابل اجرا باشند. می‌توانید محتوای فوری را به سرعت منتشر کنید و بعداً آن را به روز کنید تا تحولات جدید یا تغییرات دنیای واقعی در بازار را منعکس کند (Reeve, 2013).
مثال در عمل: هنگامی که مدرسه یک نرم‌افزار صورت‌حساب جدید را اتخاذ می‌کند، تیم Customer Ops می‌تواند به سرعت بهترین شیوه‌ها و دوره‌ای در مورد نحوه استفاده از نرم‌افزار ایجاد کند. کارمندان می‌توانند بلافاصله استفاده از نرم‌افزار را شروع کنند. پس از آن Customer Ops می‌تواند به به‌روزرسانی دوره ادامه دهد تا سؤالات دانش‌آموزان را منعکس کند (Torkelson, 2012).

آموزش مشارکتی مردم محور

دانش‌آموزان بارزترین منبع یک مدرسه هستند. یک پلتفرم آموزش مشارکتی به شما کمک می‌کند از مزیت رقابتی استفاده کنید و به تیم‌ها اجازه دهید از یکدیگر بیاموزند نه اینکه صرفاً محتوای آموزشی استاندارد شده را بر اساس نقش تجویز کنند. مشکل: برنامه‌های آموزشی نامربوط و بی‌ربط در حال حاضر، بسیاری از سازمان‌ها به یادگیری به‌عنوان یک خیابان یک‌طرفه فکر می‌کنند، این رویکرد مواد آموزشی ایجاد می‌کند و دانش‌آموزان آن‌ها را مصرف می‌کنند. همه چیز در یک جهت پیش می‌رود، بدون هیچ فرصتی برای رفت و برگشت یا بازخورد. این یک یادگیری صنعتی است که تنها با هدف ارائه مهارت‌ها به دانش‌آموزان طراحی شده است و زمان و پول را برای ایجاد یا خرید دوره‌هایی که هیچ کس به آنها توجه نمی‌کند هدر می‌دهد. آن‌ها این محتوا را به سیستم‌های LMS که برای مدیران ساخته شده‌اند، پمپ می‌کنند، نه دانش‌آموزان. این رویکرد در گذشته مؤثر نبوده و قطعاً اکنون نیز کافی نیست. عادات مصرف رسانه به نفع محتوای هم‌تا محور تغییر کرده است. فقط باید به رشد مدرسه‌های رسانه‌های اجتماعی میلیارد دلاری نگاه کنید تا ببینید مردم قوی‌ترین واکنش را به محتوای هم‌تایان نشان می‌دهند (Teng, 2017).

راه حل: یادگیری به عنوان یک علاقه، نه یک دستورالعمل

آموزش مشارکتی یک روش هم‌تا محور و از پایین به بالا برای ایجاد مواد آموزشی و ساخت آن است. مؤثرتر از روش‌های آموزش الکترونیکی سنتی دانش‌آموزان نیازهای یادگیری خاص را بر اساس آنچه به عنوان شکاف در دانش خود می‌بینند شناسایی می‌کنند. سپس کارشناسان داخلی با ایجاد دوره‌های مرتبط، این نیازها را برآورده می‌کنند. همه در یادگیری با هم مشارکت فعال دارند (Oakley, et al., 2004).

این نه تنها دموکراتیک‌تر است، بلکه پویاتر است. جایی برای گفتگو، بازخورد و تکرار وجود دارد. شما می‌توانید مواد آموزشی مؤثرتری ایجاد کنید و در عین حال مشارکت دانش‌آموزان را افزایش دهید. تسهیل انتقال دانش و به اشتراک گذاری ایده در میان دانش‌آموزان شما تنها راهی برای ایجاد عملکرد بهتر نیست. همچنین امکان نوآوری را فراهم می‌کند. سازندگان دوره مجبورند مانند مربیان فکر کنند: از مهارت‌های تصمیم‌گیری و تفکر انتقادی برای ایجاد بهترین دوره‌ها استفاده کنند. تیم‌های شما ممکن است مهارت‌ها و دانش موجود در تیم‌های خود را درک نکرده باشند. هنگامی که آنها از آن آگاه شوند، هیچ محدودیتی برای آنچه می‌توانید ایجاد کنید وجود ندارد. متأسفانه، این حوزه‌ای است که سازمان‌ها اغلب در گذشته شکست‌خورده‌اند، به ویژه در مواقع بحران. فرهنگ سازمانی سفت و سخت و از بالا به پایین به ناچار انعطاف‌پذیری کمتری خواهد داشت و با نیازهای دانش‌آموزان ارتباط برقرار می‌کند (Teng, 2017).

برنامه‌های یادگیری متمرکز فقط به مشکل کمک می‌کند. آنها بیشتر بر روی محصولات قابل تحویل خاص متمرکز می‌شوند، به عنوان مثال، ارتقاء مهارت تعداد زیادی از دانش‌آموزان بدون نگرانی برای فرصت‌های رشد فردی. برای انجام این کار، آن‌ها به راه‌حل‌های یک اندازه برای همه، مانند برنامه‌های مهارت مجدد انبوه یا سمینارهای آموزشی حضوری روی می‌آورند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

این راه‌حل‌ها معمولاً گران هستند، مؤثر نیستند و می‌توانند در مقیاس‌بندی چالش‌برانگیز باشند. برنامه‌های یادگیری عمومی باعث می‌شود که دانش‌آموزان احساس کنند یک عدد هستند، نه مانند اعضای ارزشمند تیم. این عدم شخصی سازی عامل اصلی کمک کننده به بحران فعلی تعامل است (Oakley, et al., 2004).

راه حل: فرهنگ یادگیری توانمند کننده دانش‌آموزان

تکنیک‌های آموزش مشارکتی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در مبارزه مداوم برای شاد نگه داشتن دانش‌آموزان، حضور و تمرکز داشته باشد. هر یک از دانش‌آموزان را تشویق می‌کند تا با ایجاد محیطی که در آن می‌توانند مهارت‌ها و تجربیات خود را در جهت رسیدن به یک هدف مشترک با تولید محتوا مشارکت دهند، مالکیت فرهنگ سازمانی را در دست بگیرند. در یک محیط آموزش مشارکتی، مهارت‌ها و ایده‌های هر فرد واقعاً ارزشمند است. فرهنگ آموزش مشارکتی باید بر تأثیر آموزش متمرکز شود. دیگر خبری از ویدئوهای بیهوده یا ویدئوهای پایان‌ناپذیر نیست: اگر فعالیتی به یادگیری افراد کمک نمی‌کند، ارزش وقت گذاشتن آنها را ندارد. فرهنگ یادگیری غیرمتمرکز به همه افراد قدرت می‌دهد و در عین حال به آنها کمک می‌کند تا در مسیر یادگیری خود به جلو حرکت کنند. از همه مهم‌تر، یادگیری غیرمتمرکز در یک مدرسه ۱۰ یا ۱۰۰۰۰ نفری مفید است. چه همه شما در یک ساختمان باشید و چه در سراسر جهان پراکنده شده باشید. با رشد مدرسه بزرگ می‌شود و به اندازه کافی کوشش دارد که با اولویت‌های سازمان تغییر کند (Mori, 2018).

کاربردهای آموزش مشارکتی

پذیرش آموزش مشارکتی می‌تواند اثرات مثبتی در زندگی واقعی داشته باشد که فراتر از بخش تحقیق و توسعه است. نیروی کار انعطاف‌پذیرتر و سازگارتر ایجاد کنید آموزش مشارکتی به افراد امکان می‌دهد محصولات و فرآیندهای جدید را به سرعت یاد بگیرند. ایجاد برنامه‌های آموزشی بسیار ساده‌تر است، که به نوبه خود سازگاری بخش‌های خاص یا حتی کل مدرسه‌ها را با محصولات یا فرآیندها آسان‌تر می‌کند (Sirakaya et al., 2018).

این انعطاف‌پذیری یک مزیت رقابتی بزرگ در دنیایی است که در نوسان دائمی است. یک پلتفرم یادگیری متمرکز بر پاسخ‌های سریع و زیرک به فرصت‌های آموزشی می‌تواند تأثیر عمیقی در کل تجارت شما داشته باشد. با یک پلتفرم یادگیری الاستیک، می‌توانید به سرعت برای مواجهه با پویایی بازار در حال تغییر یا مقابله با رویدادهای جهانی حرکت کنید. در عمل، این به معنای انتقال نرم‌تر برای پیشرفت‌های محل کار، مانند تغییر به کار از راه دور است. مهم‌تر از همه، دفعه بعد که یک بحران رخ می‌دهد، ممکن است بتوانید به سرعت کارمندان را دوباره مهارت دهید و از اخراج اجتناب کنید. برای مثال، هنگامی که خطوط هوایی اسکاندیناوی به دلیل ابتلا به کووید -۱۹ با هزاران پرواز زمین‌گیر مواجه شد، به سرعت دانش‌آموزان خدمات خود را به عنوان دانش‌آموزان پشتیبانی مراقبت‌های بهداشتی دوباره آموزش دادند. در این مورد، مدرسه یک نیاز حیاتی ملی را برآورده کرد، حتی در شرایطی که مولد درآمد اولیه آنها از جدول خارج بود (Mori, 2018).

پنج استراتژی برای گنجاندن مشارکتی در برنامه‌های آموزشی

همکاری مؤثر، یادگیری فعال را تشویق می‌کند و آن را برای حفظ دانش و تعامل یادگیری عمیق‌تر از روش‌های یادگیری غیرفعال سنتی مفیدتر می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد که یادگیری فعال حفظ دانش را افزایش می‌دهد. کارمندان به جای تماشای فیلم‌های آموزشی یا گوش دادن به سخنرانی‌ها، دوره‌های آموزشی را ایجاد می‌کنند و دوره‌های آموزشی را می‌گذرانند. کارمندان این فرصت را دارند که با مواد آموزشی تعامل داشته باشند و می‌توانند سؤال بپرسند و بازخورد ارائه دهند (Sirakaya et al., 2018).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

آموزش مشارکتی همچنين با مشارکت بیشتر دانش‌آموزان مرتبط است. کارمندان وقتی می‌دانند که همتایانشان روی آنها حساب می‌کنند انگیزه بیشتری برای تکمیل دوره‌ها دارند. برای مثال، ۳۶۰ Learning این انگیزه را با تشویق اعضای گروه برای تبدیل شدن به قهرمانان یادگیری که مهارت‌های خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارند، تقویت می‌کند. یک پلتفرم آموزش مشارکتی با ایجاد فضایی که در آن اعضای تیم با یادگیری با یکدیگر و از یکدیگر به طور مداوم با یکدیگر همکاری می‌کنند، به ایجاد یک فرهنگ یادگیری مشترک کمک می‌کند. کارمندان همیشه در حال به اشتراک گذاشتن تخصص و ایجاد مهارت‌های جدید هستند (Teng, 2016). مدرسه‌ها اغلب این اشتباه را مرتکب می‌شوند که قبل از سرمایه‌گذاری در راه‌حل‌های آموزشی جدید برای کارگران خود، منتظر بمانند تا شکاف مهارتی بسیار زیاد و آشکار ظاهر شود. متأسفانه، تا آن زمان، شکاف معمولاً خیلی بزرگ است که نمی‌توان به راحتی بر آن غلبه کرد. در عوض، قبل از اینکه در نهایت با یک شکاف مهارتی عظیم روبرو شوید، باید فضایی از یادگیری و رشد مداوم را ایجاد کنید (Reeve, 2013)

آموزش مشارکتی پاسخی به بحران در آموزش آنلاین

همان‌طور که دیدیم، تیم‌های تحقیق و توسعه در همه جا با بحران یادگیری مواجه هستند. مردم زمان یا فضای کافی برای تمرکز بر روی آموزش آنلاین آن‌طور که می‌خواهند را ندارند. ما به یک راه حل جدی نیاز داریم تا آنها را هیجان زده کنیم و آنها را توانمند کنیم تا مهارت‌ها و تخصص خود را به اشتراک بگذارند (مرادی خلج و همکاران، ۱۳۹۹). مدرسه‌ها می‌توانند با ایجاد یک فرهنگ قوی از آموزش مشارکتی به این بحران پاسخ دهند. در ازای آن، نیروی کار بسیار ماهر، متعهد و وفاداری که آماده مقابله با چالش‌های پیش رو هستند، پاداش خواهند گرفت. آنها ابزاری برای تبدیل استعدادهاى جمعی خود به مزیت رقابتی و انعطاف پذیری برای حل نیازهای یادگیری به محض ظهور خواهند داشت. برای انجام این کار، به ابزار مناسب نیاز دارید. یک LMS سنتی یا LXPI فقط تا اینجا شما را خواهد برد شما به یک پلت فرم یادگیری یکپارچه نیاز دارید که چابک، مردم محور و توزیع شده باشد. ما یک پلتفرم یادگیری ساخته‌ایم که قدرت یک LMS مدرن را با آموزش مشارکتی ترکیب می‌کند. می‌توان از آن به عنوان یک سیستم یادگیری مستقل یا علاوه بر LMS موجود استفاده کرد. این به همه اجازه می‌دهد تا در فرهنگ یادگیری مدرسه شما نقش داشته باشند و هر کارمندی را تشویق می‌کند تا فعالانه مهارت‌های خود را ایجاد کند و با دیگران به اشتراک بگذارد (Torkelson, 2012). برای سال‌ها، ما از آموزش مشارکتی به عنوان راهی برای تغییر فرهنگ سازمانی حمایت می‌کنیم. اکنون، ما معتقدیم که در آستانه یک انقلاب آموزش مشارکتی هستیم. روش کار، برقراری ارتباط و یادگیری ما به سرعت در حال تغییر است و برای همیشه در حال تغییر است. اگر در حال حاضر عقب بمانید، در معرض خطر قرار گرفتن توسط رقابت خود هستید (Reeve, 2013)

ویژگی‌های کلیدی آموزش مشارکتی

هدف از فعالیت که به آموزش مشارکتی کمک می‌کند تا هدف فعالیت با تلاش‌های برابر و توزیع شده همه اعضای تیم برآورده شود. اهداف یادگیری فردی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا چالش‌های جدید را بپذیرند و با کمک سایر دانش‌آموزان روی بخش‌های مختلف پروژه کار کنند. تقویت روابط دوستانه و کار گروهی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا در سراسر مؤسسه با علایق یکسان دوستان پیدا کنند و یک سری شبکه بسازند. ایجاد روابط جدید به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا با دانش‌آموزان جدید ملاقات کنند، در مورد راه‌ها، فرهنگ‌ها و کار با آنها بیاموزند. تفویض مهارت‌ها و توزیع مسئولیت‌های کاری با اعضای تیم بر اساس تجربیات، تخصص و علاقه آنها. تفاوت بین آموزش مشارکتی و مشارکتی در آموزش مشارکتی، آموزگار مسئولیت عملکرد تحصیلی سایر اعضای گروه را به هر یک از اعضای گروه می‌دهد. در حالی که در روش آموزش مشارکتی، دانش‌آموزان گروه‌هایی را برای یادگیری موضوعات جدید تشکیل می‌دهند (Tsai, 2005).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

استراتژی‌های آموزش مشارکتی

در این بخش به استراتژی‌های مطرح در زمینه آموزش مشارکتی پرداخته می‌شود:

۱. شفاف سازی مسئولیت‌های گروه قبل از شروع تکلیف کاری، بهتر است اهداف همه افراد در گروه را مشخص کنید که بعداً به آنها کمک می‌کند تا در قبال وظایف مسئولیت‌پذیر باشند.
۲. ارتباطات باز را تشویق کنید گفتگوهای باز و صادقانه و اعتماد در میان اعضای گروه به آنها کمک می‌کند تا مفاهیم را بهتر درک کنند و به طور کامل یاد بگیرند (مرادی خلج و همکاران، ۱۳۹۹).
۳. یک پیش‌آزمون و پس‌آزمون انجام دهید مریبان می‌توانند دانش‌آموزان را قبل و بعد از جلسات یادگیری گروهی ارزیابی کنند تا نتایج آموزش مشارکتی را درک کنند (موسوی نژاد، ۱۴۰۱).
۴. فرآیند یادگیری را ارزیابی کنید به خوبی شناخته شده است که دانش‌آموزان در طول فرآیند آموزش مشارکتی از طریق بحث و استدلال رشد می‌کنند و یاد می‌گیرند. از این رو، می‌توان آنها را برای تشویق بحث‌های با کیفیت بالا ارزیابی کرد (Sirakaya et al., 2018).
۵. از استراتژی‌هایی مانند تکنیک اره مثبت کاری اره مویی استفاده کنید این شامل به اشتراک گذاری دانش و اطلاعات به دست آمده در جلسات با سایر تیم‌ها است. این به فرد امکان می‌دهد در موضوع خود دقیق شود و به دیگران کمک کند.
۶. به فعالیت‌های گروهی اجازه دهید تا اضطراب را کاهش دهند اجازه دهید برخی از فعالیت‌های طنز و سرگرمی در آموزش مشارکتی برای کاهش تنش و اضطراب در بین دانش‌آموزان. این به ایجاد یک محیط دوستانه در بین زبان‌آموزان کمک می‌کند.
۷. از مشکلات دنیای واقعی استفاده کنید به جای ایجاد سناریوها و مسائل مصنوعی، دانش‌آموزان می‌توانند از مثال‌های واقعی برای یافتن راه حل استفاده کنند. این امر یادگیری پروژه محور را در بین دانش‌آموزان بهبود می‌بخشد.
۸. بر تقویت مهارت‌های حل مسئله و تفکر انتقادی تمرکز کنید به دانش‌آموزان تکالیف بدهید به گونه‌ای که راه‌حل‌ها و برداشت‌های متنوعی را فراهم کنند (Teng, 2016).
۹. گروه‌های متنوع تشکیل دهید گروه‌هایی با افراد مختلط از کشورها، جنسیت‌ها و نژادهای مختلف، زمینه را برای ایده‌های جدید، استعدادهای متنوع و سبک‌های یادگیری فراهم می‌کنند. علاوه بر این، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا افق‌های یادگیری خود را گسترش دهند.
۱۰. از فناوری برای نتایج یادگیری بهتر استفاده کنید ادغام آموزش و پرورش با فناوری، فرصت‌هایی را برای دانش‌آموزان برای استفاده از روش‌های مختلف تدریس افزایش می‌دهد و به آنها کمک می‌کند تا به طور مؤثر کار کنند (Reeve, 2013).

انواع آموزش مشارکتی

در این بخش به بررسی انواع آموزش مشارکتی پرداخته می‌شود.

فکر کن - به اشتراک بگذار

این رایج‌ترین نوع آموزش مشارکتی است که در آن دانش‌آموزان قبل از آن به طور مستقل کار می‌کنند و سپس به گونه‌ای درگیر بحث می‌شوند که اطلاعات و ایده‌ها را بین آنها رد و بدل می‌کند (Teng, 2016).

گروه‌های آموزش مشارکتی غیررسمی

در این نوع کلاس به گروه‌هایی تقسیم می‌شود و پروژه‌ای به آنها اختصاص داده می‌شود. این منجر به صرف زمان کمتری برای سخنرانی‌های کلاسی می‌شود و مطالبی را که دانش‌آموزان حفظ می‌کنند، بهبود می‌بخشد (Reeve, 2013).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

گروه‌های آموزش مشارکتی رسمی

در این روش آموزش مشارکتی، اعضای گروه موظفانند هفته‌ها یا ماه‌ها در کنار هم بمانند و روی پروژه‌ها کار کنند. در اینجا دانش‌آموزان با هم مطالعه می‌کنند و رویکردهای مختلفی را برای کار با یکدیگر به کار می‌گیرند.

یادگیری بر پایه مشکلات

در این رویکرد، مسئله‌ای برای فراگیران به صورت گروهی، ارزیابی و حل می‌شود. در اینجا، دانش‌آموزان باید قبل از ارائه راه حل، یک مسئله را درک کنند (Oakley, et al., 2004).

گروه‌های پایه مشترک

سازمان‌های پایه مشارکتی شامل گروه‌هایی هستند که حداقل برای یک سال دوام می‌آورند. این شامل تیم‌هایی با دیدگاه‌ها و ذهنیت‌های مختلف است تا بتوانند ایده‌های خود را در یک پروژه مشارکت دهند.

اهمیت توسعه آموزش مشارکتی در بین دانش‌آموزان

آموزش مشارکتی باعث توسعه مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی در بین دانش‌آموزان می‌شود دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا عادات خوب را بیاموزند و توسعه دهند و از همسالان خود دانش کسب کنند دانش‌آموزان باید مسئولیت‌ها را تقسیم کنند، با هم کار کنند و به یکدیگر اعتماد کنند دانش‌آموزان در به اشتراک گذاشتن ایده‌های خود، بحث در مورد استراتژی‌ها و بیان خود در یک گروه راحت می‌شوند علاوه بر این، به آنها کمک می‌کند تا شبکه‌ای از افراد در زمینه‌های مختلف ایجاد کنند این به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا اعتماد به نفس را به دست آورند و مهارت‌های مهمی را برای آینده توسعه دهند (Mori, 2018).

نقش آموزگار در آموزش مشارکتی

تشکیل گروه‌ها و کمک به دانش‌آموزان در محیط‌ها و فعالیت‌های خوب دادن فرصت‌ها و وظایفی که باعث ارتقای آموزش مشارکتی می‌شود گروه‌ها را به گونه‌ای ساختار دهید که شامل تنوع باشد منابع و مطالب مطالعه را به دانش‌آموزان ارائه دهید ارزیابی دانش‌آموزان را به صورت گروهی انجام دهید (Mori, 2018).

مزایای آموزش مشارکتی

مزایای آموزش مشارکتی شامل موارد زیر هستند:

۱. یادگیری همتایان را تشویق می‌کند دانش‌آموزان از دانش‌آموزان خود یاد می‌گیرند. آنها ایده‌ها و مفاهیم جدید را بهتر از آموزگار برای یکدیگر توضیح می‌دهند.
۲. تفکر انتقادی را فعال می‌کند دانش‌آموزان ایده‌ها را به صورت گروهی مورد بحث قرار می‌دهند و به یکدیگر بازخورد می‌دهند. درک و ارزیابی ایده‌ها و نظرات دیگران باعث بهبود تفکر انتقادی در بین دانش‌آموزان می‌شود.
۳. حل مسئله را فعال می‌کند اگر قرار باشد یک مشکل تنها توسط چند نفر با همکاری حل شود، هر یک از آنها باید یک قسمت را برای تکمیل کار حل کنند و در نتیجه توانایی‌های حل مسئله را بهبود می‌بخشند (Oakley, et al., 2004).
۴. مهارت‌های ارتباطی را بهبود می‌بخشد کار کردن با یکدیگر مهارت‌های ارتباطی را بهبود می‌بخشد، زیرا دانش‌آموزان در مورد نظرات و ایده‌ها بحث می‌کنند، مناظره انجام می‌دهند و نظرات خود را بیان می‌کنند.
۵. آگاهی فرهنگی را بهبود می‌بخشد دانش‌آموزانی از فرهنگ‌های مختلف در مدرسه درس می‌خوانند. آنها ممکن است عقاید، عقاید و روش‌های متفاوتی برای کار داشته باشند. این باعث افزایش آگاهی دانش‌آموزان می‌شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نمونه‌هایی از آموزش مشارکتی

نمونه‌های از آموزش مشارکتی شامل موارد زیر هستند:

۱. کار بر روی پروژه‌ها پروژه‌ها شامل افرادی می‌شود که در گروه‌ها با هم کار می‌کنند و فعالیت‌های متفاوتی را انجام می‌دهند، درباره ایده‌ها بحث می‌کنند، نظرات را شکل می‌دهند، نظرات را توجیه می‌کنند، و دیگر جنبه‌های ارتباطی. همچنین توانایی شنیداری دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشد، زیرا آنها دیدگاه‌های دیگران را در مورد همان موضوع درک می‌کنند و به آنها بازخورد می‌دهند (Mori, 2018).
۲. اجرای نمایشنامه/درام اجرای نمایش، ایفای شخصیت‌ها، درک قسمت‌ها و نقش‌های مختلف و درک عمق مسئولیت‌های مختلف برای موفقیت در نمایش به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا به صورت تیمی کار کنند، مسئولیت‌ها را تقسیم کنند و تصمیمات لازم را بگیرند. آنها را به بزرگسالانی مسئول برای آینده تبدیل می‌کند.
۳. بازی‌ها و مسابقات انجام بازی‌ها و مسابقات با تشکیل گروه‌ها یا افراد مختلف باعث افزایش روحیه تیمی و رقابت در بین دانش‌آموزان می‌شود. علاوه بر این، تشکیل تیم‌ها و بازی یا اجرای با هم باعث می‌شود که آنها به دانش‌آموزان دیگر اعتماد کنند، سازگاری ایجاد کنند و اخلاق گروهی عالی را در تیم‌ها تضمین کنند (Reeve, 2013).
۴. بحث‌های گروهی بحث‌های گروهی در مورد یک موضوع به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مهارت‌های ارتباطی خود را بهبود بخشند. آنها را قادر می‌سازد تا ایده‌های خود را بیان کنند و آنها را با کلمات مناسب بیان کنند و آنها را برای دیگران قابل درک کند. علاوه بر این، به آنها کمک می‌کند شنوندگان بهتری شوند (Torkelson, 2012).

چالش‌های آموزش مشارکتی

- چالش‌های آموزش مشارکتی، به عواملی اشاره دارد که ممکن است در تحقق و بهبود فرایند آموزش مشارکتی و تعاملات آموزگاران و دانش‌آموزان مؤثر باشند. این چالش‌ها می‌توانند به صورت فردی، سازمانی و یا اجتماعی باشند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:
۱. نگرش‌ها و اعتقادات: برخی از آموزگاران و دانش‌آموزان ممکن است به شیوه‌های آموزش مشارکتی مختلفی نگرانی داشته باشند و از طریق تجربه‌ها و تربیت‌های قبلی خود به این نوع تعلیم و تربیت مقاومت نشان دهند.
 ۲. مهارت‌ها و دانش: برخی از آموزگاران ممکن است به دلیل کمبود مهارت‌ها و دانش لازم در زمینه‌های مشارکت و تعاملات مشکلاتی را در مدیریت کلاس و همچنین تصمیم‌گیری‌های آموزشی مواجه شوند.
 ۳. اجتماعی و فرهنگی: عوامل فرهنگی و اجتماعی مانند نقش جنسیت، طبقات اجتماعی، مذهب و فرهنگ ممکن است تأثیراتی بر روی امکان اجرای مشارکتی داشته باشند.
 ۴. منابع مالی و فنی: کمبود منابع مالی و فنی می‌تواند به محدود شدن امکانات و تجهیزات مورد نیاز برای آموزش مشارکتی منجر شود.
 ۵. ارتباط و هماهنگی: برای موفقیت آموزش مشارکتی، نیاز به ارتباط مؤثر و هماهنگی میان آموزگاران، دانش‌آموزان و سایر اعضای مدرسه و جامعه است که ممکن است موانعی داشته باشد (موسوی نژاد، ۱۴۰۱).
- این چالش‌ها نشان‌دهنده اهمیت توجه به آمادگی و ارتقاء شایستگی‌های آموزگاران و دانش‌آموزان برای مشارکت مؤثر در فرایند آموزش مشارکتی است. با اندیشیدن به راهکارها و استراتژی‌های مناسب، می‌توان این چالش‌ها را مدیریت کرده و بهبود واقعی در تعاملات آموزگاران و دانش‌آموزان حاصل کرد.

روابط متقابل دانش آموز



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اثرات آموزش مشارکتی در ارتقاء روابط متقابل دانش‌آموزان در محیط آموزشی:

۱. تقویت انگیزه تحصیلی:
آموزش مشارکتی این امکان را به دانش‌آموزان می‌دهد که به صورت فعال در فرآیند یادگیری شرکت کنند. این مشارکت فعال باعث افزایش انگیزه تحصیلی و علاقه آنان به یادگیری می‌شود.
۲. توسعه مهارت‌های اجتماعی:
از طریق فعالیت‌های مشارکتی، دانش‌آموزان با مهارت‌های ارتباطی، همکاری، و تعامل اجتماعی آشنا می‌شوند. این مهارت‌ها به آن‌ها کمک می‌کند تا در محیط تحصیلی و جامعه بهتر موفق شوند.
۳. افزایش اعتماد به نفس:
شرکت فعال در فرآیند یادگیری و ارائه ایده‌ها و نظرات، اعتماد به نفس دانش‌آموزان را تقویت می‌کند. این اعتماد به نفس به آن‌ها اعتماد به مهارت‌های خود و قابلیت حل مسائل را می‌آموزد.
۴. تسهیل درک مفاهیم:
آموزش مشارکتی با ایجاد فرصت‌های فعال برای مشارکت دانش‌آموزان، باعث می‌شود که مفاهیم آموزشی بهتر درک شوند. این فعالیت‌ها به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهند که محتواها را با تجربه شخصی خود ارتباط دهند.
۵. تحول در نگرش به یادگیری:
آموزش مشارکتی باعث می‌شود که دانش‌آموزان به عنوان فردی مسئول و فعال در فرآیند یادگیری خود دیده شوند. این تغییر در نگرش به یادگیری، انگیزه آن‌ها را برای شناخت بهتر و توسعه فردی افزایش می‌دهد.
۶. تعهد به یادگیری مداوم:
مشارکت فعال در فرآیند آموزشی، به دانش‌آموزان این پیام را می‌دهد که یادگیری یک فرآیند مداوم است و آن‌ها باید به تعهد خود نسبت به یادگیری ادامه دهند.
۷. ارتقاء توانایی‌های تفکر انتقادی:
مشارکت در فعالیت‌های گروهی و تصمیم‌گیری‌های مشترک، توانایی‌های تفکر انتقادی دانش‌آموزان را تقویت می‌کند. این امر باعث می‌شود تا آنان بهتر بتوانند مسائل را تجزیه و تحلیل کرده و به نتایج منطقی برسند.
۸. تسهیل فرآیند یادگیری تعاملی:
آموزش مشارکتی به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد تا از فرآیند یادگیری تعاملی بهره‌مند شوند. این نوع یادگیری، اطلاعات را به شکلی عمیق‌تر و به یادماندنی‌تری ارائه می‌دهد (Mori, 2018).
۹. تشویق به خلاقیت و نوآوری:
مشارکت فعال در آموزش، دانش‌آموزان را ترغیب به ارائه ایده‌ها و حل مسائل به شکل خلاقانه می‌کند. این تجربه به آن‌ها اعتماد به خود و اراده برای تلاش بیشتر در مسیر خود می‌دهد.
۱۰. تعامل با محتواهای آموزشی:
آموزش مشارکتی، دانش‌آموزان را در تولید محتواهای آموزشی و درک عمیق‌تر از مطالب ترغیب می‌کند. این تعامل باعث می‌شود که آموزش به یک فرآیند پویا و فعال تبدیل شود.
۱۱. تعلق به محیط تحصیلی:
مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری باعث افزایش احساس تعلق به محیط تحصیلی و مدرسه می‌شود. این احساس تعلق باعث افزایش حضور فعال و مسئولیت‌پذیری آن‌ها در محیط تحصیلی می‌شود.
۱۲. آموزش مهارت‌های زندگی:



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

آموزش مشارکتی، به دانش‌آموزان امکان آموزش مهارت‌های زندگی اجتماعی، انجام پروژه‌های گروهی، حل مسائل، و مدیریت زمان را می‌دهد که این مهارت‌ها از اهمیت بسزایی در زندگی روزمره دانش‌آموزان برخوردار هستند (امینی، ۱۴۰۲). با توجه به این اثرات مثبت، آموزش مشارکتی به عنوان یک راهبرد مؤثر می‌تواند در ارتقاء روابط متقابل دانش‌آموزان در محیط آموزشی نقش کلیدی ایفا کند و به توسعه جوانانی با نگرش سازنده و مثبت کمک نماید.

نتیجه‌گیری

با توجه به اثرات مثبت آموزش مشارکتی در ارتقاء نگرش دانش‌آموزان در محیط آموزشی، می‌توان به چند نکته کلیدی پرداخت. ابتدا، آموزش مشارکتی نه تنها بهبود در تحصیلات دانش‌آموزان را تضمین می‌کند بلکه به آن‌ها مهارت‌ها و ارزش‌های اجتماعی نیز آموزش می‌دهد. همچنین، این رویکرد آموزشی به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد تا در جامعه بهتر مشارکت کنند و در مسائل مختلف تصمیم‌گیری شرکت کنند. در بُعد تربیتی، آموزش مشارکتی می‌تواند به افراد یاددهد که با مسئولیت و مشارکت فعال، می‌توانند در بهبود جامعه خود نقش داشته باشند. این اصول به دانش‌آموزان ارزش‌هایی چون همکاری، احترام به نظرات دیگران، تعهد به تحصیل و مسئولیت‌پذیری را آموزش می‌دهد. با توجه به بررسی اثرات آموزش مشارکتی در ارتقاء روابط متقابل دانش‌آموزان در محیط آموزشی، می‌توان نتیجه گرفت که این رویکرد آموزشی به عنوان یک ابزار قدرتمند توانسته است به چندین جنبه از توسعه دانش‌آموزان بسیار کمک کند. از جمله اثرات قابل توجه می‌توان به تقویت انگیزه تحصیلی، توسعه مهارت‌های اجتماعی، افزایش اعتماد به نفس، تحول در نگرش به یادگیری، تشویق به خلاقیت و نوآوری، و تعلق به محیط تحصیلی اشاره کرد. در پی نتایج به‌دست‌آمده، توصیه می‌شود که مدارس و مسئولان آموزشی در نظر داشته باشند که بهبود فرآیند آموزشی و تربیتی نه تنها نیازمند ارائه اطلاعات و محتواهای آموزشی، بلکه به استفاده از روش‌های مشارکتی و فراگیری مستمر از سوی دانش‌آموزان نیز مرتبط است. این گام می‌تواند بهبود قابل توجهی در مسیر آموزش و پرورش به سوی فردی با روابط متقابل و توانمندی‌های متنوع بیاندازد (Mori, 2018).

با توجه به نتایج مطالعات و تحقیقات انجام شده، مشخص است که آموزش مشارکتی می‌تواند بهبود عملکرد و یادگیری دانش‌آموزان را تضمین کند. این رویکرد آموزشی باعث می‌شود دانش‌آموزان به عنوان شرکت‌کنندگان فعال در فرآیند آموزشی دخیل شوند و از محیط آموزشی به عنوان یک فرصت برای یادگیری و توسعه مهارت‌ها استفاده کنند. آموزش مشارکتی روز به روز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند زیرا به تمرکز بر جنبه‌های مختلف یادگیری دانش‌آموزان کمک می‌کند. این روش آموزش به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا کار تیمی، مهارت‌های شناختی، مهارت‌های سخنرانی در جمع و تفکر انتقادی را بهبود بخشند. علاوه بر این، دانش‌آموزان مسئول ایده‌ها و مفاهیمی هستند که همراه با نتایج، یادگیری بهتر می‌سازند. آموزش مشارکتی می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا با کمک زیرساخت‌های نرم‌افزاری گروه‌هایی تشکیل دهند و از راه دور با یک‌دیگر کار کنند، که این خود امکان مدیریت چندین موضوع آموزشی و به اشتراک گذاشتن دانش با همه دانش‌آموزان را فراهم می‌کند. علاوه بر این، آموزش مشارکتی می‌تواند به آموزگاران کمک کند تا دانش‌آموزان را از نظر روحیه مشارکت ارزیابی کنند و مهارت کار تیمی را در آنان بهبود بخشند (Torkelson, 2012).



منابع

۱. امینی، شهلا، (۱۴۰۲)، بررسی اهمیت یادگیری مشارکتی در آموزش به دانش آموزان، اولین همایش بین المللی جامعه شناسی، علوم اجتماعی و آموزش و پرورش با رویکرد نگاهی به آینده، بوشهر.
۲. فرخ نهال، مریم و رشیدی، حدیث و گل محمدی، پروانه و بیگ پناه، افسانه، (۱۴۰۱)، بررسی تاثیر یادگیری مشارکتی بر مهارتهای ارتباطی دانش آموزان دختر دوره ابتدایی، پنجمین همایش بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، همدان
۳. مرادی خلج، طاهره و ساسان، کبری و موسی پور، فاطمه و شیخ بردسیری، آذر دخت، (۱۳۹۹)، پژوهش در مورد تاثیر مثبت روش یادگیری مشارکتی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان، کنفرانس ملی پژوهش در روانشناسی، ساری
۴. موسوی نژاد، سید هادی، (۱۴۰۰)، بررسی تاثیر یادگیری مشارکتی در آموزش دانش آموزان، نخستین همایش ملی ایده های کاربردی در علوم تربیتی، روانشناسی و مطالعات فرهنگی، بوشهر.
5. Mason, G. S., Shuman, T. R., & Cook, K. E. (2013). Comparing the Effectiveness of an Inverted Classroom to a Traditional Classroom in an Upper-Division Engineering Course. *IEEE Transactions on Education*, 56(4), 430-435.
6. McLaughlin, J. E., Roth, M. T., Glatt, D. M., Gharkholonarehe, N., Davidson, C. A., Griffin, L. M., & Mumper, R. J. (2014).
7. The flipped classroom: a course redesign to foster learning and engagement in a health professions school. *Academic Medicine*, 89(2), 236-243.
8. Mori, T. (2018). The Flipped Classroom: An Instructional Framework for Promotion of Active Learning. In *Deep Active Learning*, 95-109.
9. Norazmi, D., Dwee, C. Y., Suzilla, J., & Nurzarina, A. S. (2017). Exploring Student Engagement in writing using the Flipped Classroom Approach. *Pertanika J. Social Sci. & Hum*, 25(2), 663-674.
10. Oakley, B., Felder, R. M., Brent, R., & Elhajj, I. (2004). Turning student groups into effective teams. *Journal of student centered learning*, 2(1), 9-34.
11. O'Flaherty, J., & Phillips, C. (2015). The use of flipped classrooms in higher education: A scoping review. *The Internet and Higher Education*, 25, 85-95.
12. Reeve, J. (2013). How students create motivationally supportive learning environments for themselves: The concept of agentic engagement. *Journal of Educational Psychology*, 105(3), 579-595.
13. Sirakaya, Didem Alsancak., & Özdemir, Selçuk (2018). The Effect of a Flipped Classroom Model on Academic Achievement, Self-Directed Learning Readiness, Motivation And Retention. *Malaysian Online Journal of Educational Technology*, 6(1), 76-91.
14. Teng, F. (2016). Immediate and delayed effects of embedded metacognitive instruction on Chinese EFL student's English writing and regulation of cognition. *Thinking Skills & Creativity*, 22, 289-302.
15. Teng, F. (2017c). Flipping the Classroom and Tertiary Level EFL Students Academic Performance and Satisfaction. 14(4), 605-620.
16. Torkelson, V. (2012). The Flipped Classroom, Putting Learning Back into the Hands of Students, Unpublished Master Thesis, Saint Mary's College of California, USA.